



در خانه بمانیم

شهر بدون کرونا



© سمیرا احمدی مقدم، کارشناس آموزش دوره دوم ابتدایی استان آذربایجان شرقی

از ایشان در مورد هدف از ساخت این ماکت و هدایت دانش آموزان به ساخت و گردآوری این مجموعه پرسیدم. در جواب گفت: «اولا بنده به‌شخصه اعتقاد دارم آموزشی که بر تجربه و مهارت‌های عملی مبتنی باشد، دانش آموزان را در فرایند یادگیری و درک بهتر و عمیق‌تر کمک می‌کند. همچنین، دانش آموزان به‌وسیله کاردستی، علاقه‌ها و افکار درونی خود را در عمل نشان می‌دهند، روش حل مشکلات را تمرین می‌کنند و مهارت تفکر منطقی در شرایط

مدرسه‌های دارای کلاس‌های چندپایه به نام «شهدای یالقوز آغاج ترکمانچای»؛ عنوان آن‌ها هم این بود: «شهر بدون کرونا»، عنوان و موضوعی جالب که می‌توانست نشان‌دهنده آرزویی کودکانه باشد. بر آن شدم با دانش‌آموزانی که این ماکت را ساخته بودند، صحبت کنم. چون بحران کرونا مطرح بود، نمی‌توانستم از نزدیک به آموزشگاه بروم. بنابراین با مدرسه تماس گرفتم. ابتدا با مدیر آموزگار آموزشگاه، آقای **سیروس میرزازاده**، صحبت کردم.

← تابستان ۱۳۹۹ بود. به‌عنوان مدرس برنامه ویژه مدرسه و کارشناس دوره دوم ابتدایی استان، طی اطلاعیه‌ای، از مناطق و نواحی خواسته بودیم از روند اجرای برنامه ویژه مدرسه (بوم) و مهارت‌های آموزشی و عملکرد دانش‌آموزان، گزارشی به معاونت ابتدایی استان ارسال کنند. پس از جمع‌بندی اطلاعات، زمانی که آن‌ها را بررسی می‌کردم، تصویرهایی توجه مرا به خود جلب کردند؛ تصویرهایی از دست‌ساخته‌های دانش‌آموزان یکی از



و پژوهش یا دست‌سازه‌هایی که داریم، صورت می‌گیرد.
من و مریم در صبح یکی از روزهای اردیبهشت‌ماه به مدرسه آمدیم. آن روزها اولین ماه‌هایی بود که ویروس کرونا وارد کشور ما شده بود و از تمامی رسانه‌ها به مردم توصیه می‌شد برای حفظ سلامتی خود و خانواده‌هایشان و قطع شدن زنجیره کرونا در خانه بمانند. البته موردی از شیوع ویروس کرونا در روستای ما دیده نشده بود. آن روز در مدرسه آقای معلم به ما گفت امروز قرار است به جای یکی از درس‌ها، مهارتی را یاد بگیریم؛ مهارت خودمراقبتی. ابتدا در مورد ویروس کرونا و نحوه انتشار آن برایمان توضیح داد. سپس از ما خواست مواردی را که باعث می‌شوند انتقال این بیماری کم شود یا ویروس از بین

از ایشان خواستیم با آیدیس صحبتی داشته باشیم. پس از سلام و احوال‌پرسی با آیدیس، از او خواستیم درباره خودش، مدرسه و چگونگی ساخت ماکت شهر برایم بگوید.
آیدیس چنین گفت: «اسم مدرسه ما شهدای یالقوزآغاج است که در روستای یالقوزآغاج بخش ترکمانچای منطقه میانه در استان آذربایجان شرقی واقع شده است. البته بهتر است این را هم بگویم که مدرسه ما با مدرسه‌های دیگر کمی فرق دارد. مدرسه ما اولین پژوهش‌سرای روستایی دانش‌آموزی را دارد. معلم مهربانمان با دلسوزی، محیط و امکانات آموزشی مدرسه را برایمان به‌گونه‌ای فراهم کرده که بیشتر قسمت یادگیری درس‌ها با فعالیت‌هایی که خودمان انجام می‌دهیم، با تحقیق

بحرانی مثل کرونا را یاد می‌گیرند. با تشکیل نمایشگاهی از دستاوردهای دانش‌آموزان، در آن‌ها اعتمادبه‌نفس به وجود می‌آید و این در رفع آلام دانش‌آموزانی که دچار آسیب‌های روحی و روانی شده‌اند، مؤثر است. مجموعه مذکور در راستای برنامه ویژه مدارس و با هدف فرهنگ‌سازی شعار «در خانه بمانیم» که یکی از اهداف برنامه بوم است، تهیه شده است.»
دوست داشتم نظر دانش‌آموزان را هم در این باره جویا شوم. از آقای میرزازاده در مورد دانش‌آموزان دوره دوم این مدرسه پرسیدم که برنامه بوم برای آنان اجرا می‌شد. او گفت: «تعداد دانش‌آموزان دوره دوم این آموزشگاه دو نفر است. مریم جان محمدی در پایه چهارم و آیدیس سلطانی در پایه پنجم».



هرچه زودتر تمام کنیم». از آیدیس پرسیدم: «با ساخت این ماکت چه احساسی به تو و مریم دست داد». او در جواب گفت: «این کار باعث شد علاوه بر اینکه اوقات فراغت خود را به خوبی سپری کنیم، یاد بگیریم در چنین زمان‌هایی به حرف مسئولان گوش دهیم تا مشکلات رفع شوند». گفت‌وگوی شیرینی بود. پس از صحبت با مدیر، به اهمیت طرح‌ها و برنامه‌هایی که خارج از کتاب درسی در مدرسه‌ها اجرا می‌شوند پی بردم. چه خوب است با آشنایی درست و منطقی از اهداف این برنامه‌ها، از آن‌ها در راستای آموزش درست فرزندان این مرز و بوم استفاده کنیم!

به اینکه ستاد ملی مبارزه با کرونا اعلام کرده است بهترین راه مبارزه با کرونا در خانه ماندن است، بیایید با استفاده از دست‌سازه، شهری بدون کرونا بسازیم. من و مریم بسیار خوشحال شدیم. وسایلی را که خودمان قبلاً در ارتباط با درس‌های مختلف ساخته بودیم و وسایلی را که دانش‌آموزان دیگر در ارتباط با موضوعات مختلف ساخته بودند، آوردیم و با کمک معلممان، ماکت شهر بدون کرونا را ساختیم؛ شهری که در آن مردم در خانه مانده بودند تا از شر ویروس کرونا در امان باشند. آن‌قدر این کار را دوست داشتیم که از آقای معلم اجازه می‌گرفتیم کمی بیشتر در مدرسه بمانیم تا ماکت را

برود، برایش بگوییم. او از ما خواست به خوبی به این مورد فکر کنیم و بعد جواب دهیم. من و مریم اول کمی به هم نگاه کردیم. بعد از کمی فکر کردن، مواردی را که به ذهنمان آمد نوشتیم. آقای میرزازاده از ما خواست یادداشت‌هایمان را برای او بخوانیم. من شروع به خواندن کردم و مریم هم گفته‌های مرا تصدیق کرد. ما نوشته بودیم برای خلاص شدن از شر کرونا، مردم باید بهداشت را رعایت کنند. هنگام عطسه یا سرفه کردن جلوی دهانشان را با دستمال کاغذی بگیرند و مهم‌تر از همه، در خانه آقای میرزازاده گفت، بچه‌ها، با توجه